رخداد

## رابطه پنهانی زن جوان با قتل پایان یافت

■ **مهر:** سناریو دروغین زن جوان برای فرار از مجازات قتل همسرش در جریان تجسس‌های پلیسی فاش شد. هشتم دی امسال زنی با ماموران پلیس تماس گرفت و از قتل همسرش به دست دزدان ناشناس خبر داد. پس از این تماس گروهی از کارآگاهان پلیس آگاهی همراه بازپرس جنایی زاهدان راهی خانه این زن شدند. تیم جنایی پس از ورود به خانه با جسد غرق در خون مرد ۳۵ساله در حمام روبه‌رو شد. نخستین بررسی‌ها نشان داد عامل یا عاملان جنایت پس از کشاندن مقتول به داخل حمام او را با ضربه‌های کارد از پا درآورده‌اند. ماموران در ادامه به بازجویی از مونا، همسر مقتول پرداختند. او گفت: امروز صبح من و همسرم خواب بودیم که با صدای افتادن گلدان بیدار شدیم. ناگهان دو مرد نقابدار را بالای سر خود دیدیم. آنها با تهدید چاقو همسرم را با خود بردند. پس از ساعتی، سکوت خانه را فراگرفت. احتمال دادم آنها رفته‌اند به همین خاطر به جست‌وجوی خانه پرداختم و با جسد همسرم در حمام روبه‌رو شدم. مردان مهاجم پس از قتل شوهرم پول و طلاهای موجود در خانه را سرقت و فرار کرده بودند.» پس از بررسی‌های مقدماتی جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و کارآگاهان که به اظهارات مونا مشکوک شده بودند، تحقیقات خود را روی او متمرکز کردند و در بررسی‌های خود دریافتند زن جوان به طور پنهانی با پسر غریبه‌ای ارتباط دارد. با کشف این سرنخ مونا دستگیر شد. او در ابتدا اظهارات قبلی خود را تکرار کرد اما وقتی راز خود را فاش‌شده دید، گفت: «با همسرم اختلاف شدیدی داشتم. او به من توجه نمی‌کرد و سر هر موضوعی دعوا راه می‌انداخت. چند وقت قبل با پسر جوانی به نام میثم آشنا شدم که به من ابراز علاقه می‌کرد. حرف‌هایش باعث شد ارتباطم با او را ادامه دهم. روز حادثه، شوهرم به محل کارش رفت و با اطمینان از اینکه تا ظهر نمی‌آید، میثم به دیدنم آمد. در حال صحبت با هم بودیم که شوهرم به طور ناگهانی وارد خانه شد. او با دیدن میثم شوکه شده بود. آنها با هم درگیر شدند که پسر جوان با ضربه‌های کارد همسرم را کشت و گریخت.» سرهنگ محسن عطار، رییس پلیس آگاهی سیستان و بلوچستان درباره این پرونده گفت: با اعتراف‌های مونا دستگیری قاتل در دستور کار ماموران قرار گرفت و پس از تعقیب و مراقبت‌های نامحسوس میثم بازداشت شد. او در ابتدا منکر قتل شد، اما پس از روبه‌رو شدن با زن جوان به جرمش اعتراف کرد. وی افزود: متهمان پس از اعتراف به قتل و بازسازی صحنه جنایت با قرار قانونی روانه زندان شدند.

## کلاهبرداری در پوشش فروش تلفن همراه

■ **پلیس‌خبر:** رییس پلیس آگاهی آذربایجان غربی از دستگیری زوجی خبر داد که در پوشش فروش تلفن همراه اقدام به کلاهبرداری می‌کردند. سرهنگ النقی‌پور توضیح داد: با شکایت فردی ساکن یکی از استان‌های مرکزی کشور، مبنی بر کلاهبرداری یک زوج از وی در پوشش فروش تلفن همراه، موضوع توسط ماموران تحت بررسی و رسیدگی قرار گرفت. وی با اشاره به اظهارات شاکی درخصوص پرداخت ۶۷ میلیون ریال وجه نقد برای خرید تلفن همراه اضافه کرد: کلاهبرداران پس از دریافت این میزان وجه نقد از محل متواری شده بودند. این مقام انتظامی ادامه داد: با تلاش ماموران محل فعالیت و زندگی متهمان شناسایی و کلاهبرداران تحت تعقیب و مراقبت‌های پلیس قرار گرفتند. سرهنگ النقی‌پور اظهار کرد: در یک عملیات غافلگیرانه یکی از متهمان دستگیر شد و در بازجویی‌های پلیسی به بزه ارتکابی اعتراف کرد.

## کلاهبرداری با وعده فروش خودروهای سنگین

■ **شرق:** مردی با تاسیس شرکت جعلی فروش لیزینگی خودرو از چندین نفر کلاهبرداری کرد. سرهنگ نامور، رییس پلیس آگاهی استان خراسان شمالی در این‌باره گفت: ده‌ها نفر از شهروندان بجنوردی با مراجعه به پلیس آگاهی عنوان کردند پس از ثبت‌نام برای خرید خودروهای سنگین در یک شرکت لیزینگ خودرو و پرداخت پول، زمانی که برای تحویل خودرو به شرکت مراجعه کردند متوجه تعطیل بودن شرکت شدند. وی افزود: «با توجه به تعداد بالای شکایات و حجم ریالی کلاهبرداری، اکیپی از کارآگاهان مامور رسیدگی به این پرونده شدند. با بررسی مدارک ثبت‌نامی مالباختگان مشخص شد، همگی آنها جعلی است. کارآگاهان که خود را در برابر کلاهبردار و جاعلی حرفه‌ای می‌دیدند با کمک مالباختگان به بررسی بانک اطلاعات تصاویر مجرمان سابقه‌دار پرداختند و در نهایت موفق به شناسایی جاعل سابقه‌دار شدند و با تحت‌نظر گرفتن پاتوق‌های احتمالی وی، سرانجام متهم در اقدامی غافلگیرانه دستگیر شد و به پلیس آگاهی منتقل کردند. سرهنگ نامور در ادامه افزود: متهم که در بازجویی‌ها در مواجهه با اسناد و مدارک چاره‌ای جز بیان حقیقت نداشت، به کلاهبرداری تحت عنوان فروش لیزینگی خودرو اعتراف کرد و درباره شگرد خود اظهار داشت با اجاره یک باب مغازه و جعل سربرگ و مهر شرکت لیزینگی فروش خودروهای سنگین اقدام به اغفال شهروندان کرده و با گرفتن مبالغی بین ۵۰ میلیون تا ۱۵۰ میلیون ریال از آنها کلاهبرداری کرده است. بنابر این گزارش، تاکنون ۲۰ نفر از مالباختگان شناسایی شده‌اند و تحقیقات درخصوص سایر جرایم احتمالی متهم ادامه دارد.

### دختر ۱۳ ساله در کمتر از ۱۲ ساعت آزاد شد

# آدم‌ربایی ۲۵۰ میلیون تومانی بعد از ورشکستگی

**شرق:** دوست خانوادگی برای رهایی از مشکلات مالی دختربچه ۱۳ساله را ربود و از والدین او باج خواست.

به گزارش خبرنگار ما مردی ساعت ۱۷ روز دوشنبه هفته جاری با مراجعه به کلانتری جوادیه تهرانپارس به ماموران اعلام کرد دختر ۱۳ساله‌اش به نام سیما ربوده شده و فرد ناشناسی در ازای آزادی این نوجوان ۲۵۰میلیون تومان باج خواسته است.

با تشکیل پرونده مقدماتی به دستور امیرآبادی، رییس دادسرای امور جنایی تهران، پرونده برای رسیدگی تخصصی در اختیار اداره مبارزه با آدم‌ربایی پلیس‌آگاهی تهران قرار گرفت و تیم ویژه‌ای از کارآگاهان، رسیدگی به پرونده را آغاز کردند. پدر سیما در این مرحله به کارآگاهان گفت: «سیما در مسیر بازگشت از مدرسه و در نزدیکی خانه ربوده شده است.»

کارآگاهان در تحقیقات از محل آدم‌ربایی در منطقه حکیمیه تهران اطلاع پیدا کردند. یکی از کسبه‌های محل که در محل ربوده شدن سیما حضور داشت، این دختر را حین سوار شدن به یک دستگاه خودرو پژو پرشیا مشاهده کرده اما از آنجایی که دختربچه خودش شخصا و بدون هیچ‌گونه درخواست کمکی سوار ماشین شده، وی در آن لحظه متوجه آدم‌ربایی نشده است. او مشخصات خودرو را به ماموران گفت و مشخصات راننده آن را تشریح کرد.

ماموران با شنیدن این اظهارات اطمینان پیدا کردند آدم‌ربا به احتمال بسیار زیاد از بستگان یا دوستان نزدیک خانوادگی دختربچه ربوده شده است. کارآگاهان در این مرحله به ترسیم چهره فرضی راننده خودرو پرداختند و در ادامه تحقیقات و با به دست آمدن تصویر اولیه از راننده پرشیا، آن را مقابل اعضای خانواده و والدین سیما قرار دادند و آنها نیز بلافاصله یکی از دوستان نزدیک خانوادگی خود به نام «مهرداد» را شناسایی کردند و گفتند تصویر بسیار شبیه به این مرد ۳۵ساله است.

پدر سیما به کارآگاهان گفت: «مهرداد از دوستان بسیار قدیمی خانواده ماست، به‌گونه‌ای که دخترم او را با عنوان عمو می‌شناسد و همیشه مهرداد را با همین عنوان صدا می‌کند.»

وی اضافه کرد: «مهرداد در زمینه خریدوفروش زمین و ملک فعالیت می‌کند اما از چندی پیش اطلاع پیدا کرده بودم دچار مشکلات مالی شده و شدیدا درگیر این موضوع است.» کارآگاهان با توجه به اطلاعات به دست آمده در رابطه با مشکلات شدید مالی مهرداد و همچنین شناسایی او به عنوان راننده پژو پرشیا با اطمینان از نقش و مشارکت مهرداد در کودک‌ربایی وی را در ساعت دو بامداد دیروز دستگیر و به پلیس‌آگاهی منتقل کردند.

عکس: شرق

مهرداد که به هیچ عنوان تصور نمی‌کرد در این فاصله زمانی کوتاه شناسایی و دستگیر شود، در همان دقایق اولیه شروع بازجویی به آدم‌ربایی اعتراف و انگیزه خود را از این اقدام مشکلات شدید مالی و ورشکستگی اقتصادی اعلام کرد. سپس با اطلاعات به دست آمده درخصوص محل نگهداری سیما در داخل انباری یک واحد مسکونی در منطقه تهرانپارس، کارآگاهان ساعت سه بامداد به آنجا رفتند و دختربچه را در حالی‌که دست‌ها و پاها و دهانش به‌طور کامل بسته و در زیر یک لایه از پلاستیک قرار گرفته بود، آزاد و به پلیس‌آگاهی منتقل کردند.

سرهنگ عباسعلی محمدیان، رییس پلیس‌آگاهی تهران با اشاره به آزادسازی کودک ربوده شده در فاصله زمانی کمتر از ۱۲ ساعت گفت: «با آزادسازی دختربچه ربوده شده و اطلاع والدین از رهایی فرزندشان و حضور در اداره یازدهم پلیس‌آگاهی، دختربچه این خانواده در ساعت پنج بامداد دیروز به خانواده‌اش تحویل و متهم پرونده نیز برای صدور دستور مقام قضایی به دادسرای امور جنایی تهران انتقال داده شد.»

### متهمان دیروز پای میز محاکمه رفتند

# ۵ تجاوز و یک قتل در پرونده باند آدم‌ربایی

**شرق:** اعضای باندی که متهم هستند پنج زن را ربوده و مورد تجاوز قرار داده و یکی از آنها را به قتل رسانده‌اند، دیروز برای دومین بار در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شدند. این چهار متهم پیش از این در مجموع به ۱۳ بار اعدام محکوم شده بودند اما دیوان‌عالی کشور تحقیقات صورت‌گرفته را ناقص دانسته و خواستار محاکمه مجدد متهمان شده بود.

راننده یک آژانس روز ۲۹ مهر سال ۸۸ در حالی‌که از منطقه‌ای بیابانی در پاکدشت عبور می‌کرد زنی را دید که زخمی و خون‌آلود در گوشه‌ای افتاده بود. او سراغ این زن رفت و از زبان وی شنید چهار مرد به او تعرض کرده‌اند. راننده آژانس زن مجروح را به کلانتری رساند و ماجرا را برای ماموران شرح داد. به این ترتیب زن ۲۸ساله که محبوبه نام داشت به بیمارستان انتقال یافت. او در حالی‌که به سختی صحبت می‌کرد ماجرا را برای ماموران توضیح داد و گفت: «چند روز قبل پسر جوانی با موبایلم تماس گرفت اما بلافاصله عذرخواهی کرد و گفت شماره را اشتباه گرفته است. او از آن به بعد مرتب مزاحمم می‌شد و به من ابراز علاقه می‌کرد. من متاهل هستم و فرزند دارم و نمی‌خواستم با کارهای این مرد زندگی‌ام از هم بپاشد برای همین وقتی او خواست قرار بگذارد قبول کردم تا ببینم این مزاحم کیست و از جان من چه می‌خواهد. در محل قرار ایستاده بودم که یک پراید طوسی‌رنگ از راه رسید و مردی با تهدید چاقو مرا به زور در صندلی عقب نشاند و خطاب به راننده گفت: «سیاوش راه بیفت.» آن چهار نفر من را به منطقه‌ای بیابانی کشاندند و در حالی که التماس می‌کردم رهایم کنند من را مورد تجاوز قرار دادند و با چاقو زخمی‌ام کردند.»

درحالی‌که کارآگاهان تحقیقات خود را برای شناسایی و دستگیری سیاوش و سه همدستش آغاز کرده بودند از بیمارستان خبر رسید محبوبه به علت شدت جراحات وارده جان باخته است. پس از آن تجسس‌ها برای به دام انداختن متهمان وارد مرحله تازه‌ای شد اما باز هم سرنخی از آنها به دست نیامد تا اینکه چهار زن دیگر نیز با مراجعه به پلیس شکایت‌های مشابهی را مطرح کردند و گفتند توسط سرنشینان یک پراید طوسی‌رنگ، ربوده شده و مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. اطلاعات این شکات به پلیس در ردیابی پرایدسواران کمک کرد و ماموران ابتدا سیاوش را بازداشت کردند. این جوان ۲۲ساله به‌سرقت، آدم‌ربایی و تجاوز اعتراف کرد و قتل محبوبه را گردن یکی از دوستانش به نام کریم انداخت. او گفت: «ما زنان را می‌ربودیم و به آنها تجاوز می‌کردیم و برای اینکه بترسند و شکایت نکنند آنها را مورد شکنجه هم قرار می‌دادیم. روزی که محبوبه را طعمه قرار دادیم او در برابرمان به سختی مقاومت کرد به همین دلیل کریم عصبانی شد و با چاقو او را زد. ما بعد از تعرض به این زن وی را در بیابان رها کردیم اما چند ساعت بعد وقتی به محل حادثه برگشتیم کسی آنجا نبود و ما فقط قطرات خون را دیدیم.»

کارآگاهان بعد از ثبت اعترافات این جوان، همدستان او را که ۲۶ تا ۳۱ساله هستند، دستگیر کردند و پرونده آنها به اتهام قتل و تجاوز در اختیار قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران قرار گرفت. در جلسه اول محاکمه نماینده دادستان خواستار مجازات متهمان درخصوص قتل شد و اولیای دم محبوبه نیز اعلام کردند خواسته‌شان قصاص قاتلان است در نهایت هیات قضات وارد شور شدند و سیاوش را به اتهام پنج‌فقره تجاوز، شرکت در آدم‌ربایی و سرقت، به پنج بار اعدام، ۲۵ سال حبس و تحمل ۷۴ ضربه شلاق محکوم، محمود، عضو دیگر باند را به اتهام چهار فقره تجاوز، شرکت در آدم‌ربایی و سرقت، به چهار بار اعدام، ۲۵ سال حبس و تحمل ۷۴ ضربه شلاق، علی، سومین متهم را به اتهام سه فقره تجاوز، شرکت در آدم‌ربایی و سرقت، به سه بار اعدام، ۲۵سال حبس و تحمل ۷۴ ضربه شلاق و کریم را به اتهام یک فقره تجاوز، مباشرت در قتل و مشارکت در سرقت و آدم‌ربایی، به یک بار قصاص، یک بار اعدام، هفت سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم کردند. بعد از آن پرونده با اعتراض متهمان در اختیار قضات دیوان عالی کشور قرار گرفت. در دیوان‌عالی رای دادگاه درباره سرقت و آدم‌ربایی تایید اما تحقیقات درخصوص سایر اتهامات متهمان ناقص اعلام شد به این ترتیب متهمان دیروز بار دیگر پای میز محاکمه رفتند. در این جلسه روشن نماینده دادستان تهران برای چهار مرد تبهکار درخواست مجازات قانونی کرد. در ادامه شوهر مقتول به عنوان قیم فرزند صغیر خود خواستار قصاص متهمان شد و گفت: «همسرم برای اینکه زندگی خانوادگی‌مان به هم نریزد بدون اطلاع من با پسر مزاحم قرار گذاشت تا او را از خودش براند اما ربوده شد و زمانی که در برابر متجاوزان مقاومت کرد توسط آنها به قتل رسید و حالا متهمان باید مجازات شوند.» در ادامه جلسه چهار زن که مورد آزار قرار گرفته بودند به سوالات قضات جواب دادند و متهمان نیز از خودشان دفاع کردند. در حال حاضر پنج قاضی شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران برای صدور رای وارد شور شده‌اند.

# سناریوی عجیب دختر فراری برای دستبرد به منازل

**شرق:** دختر فراری برای اینکه بتواند از خانه افراد پولدار سرقت کند نقشه پیچیده‌ای را طراحی کرد و آن را با کمک پسر مورد علاقه‌اش به اجرا درآورد.

به گزارش خبرنگار ما مرد میانسالی روز چهارم دی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تهران تماس گرفت و گفت از منزلش واقع در خیابان بنی‌هاشم سرقت شده است. با حضور ماموران کلانتری سیدخندان در آدرس اعلامی، مرد تماس‌گیرنده گفت: «دختری جوان پس از آنکه به بهانه‌ای وارد منزلم شد با آبمیوه مسموم بیهوشم کرد و بعد از سرقت اشیای قیمتی متواری شد.»

شاکی وقتی در پایگاه چهارم پلیس آگاهی حضور یافت جزییات ماجرا را این طور شرح داد: «غروب یک روز در هفته گذشته بعد از اتمام کار روزانه از محل کارم به سمت منزل حرکت می‌کردم که در محدوده تهرانسر یک دختر سراسیمه جلو ماشین من را گرفت. این دختر جوان در حالی که گریه می‌کرد به من گفت دو موتورسوار کیف او را سرقت کرده‌اند و هیچ پولی ندارد. آن دختر از من خواست تا مسیری او را برسانم. با توجه به اینکه ظاهر دختر بسیار شیک و از خانواده پولدار نشان می‌داد، بدون اینکه به گفته‌هایش شک کنم او را سوار کردم. دختر جوان را به سمت شمال غرب تهران بردم و مقابل کوچه‌ای از خیابان‌های شهرک قدس که می‌گفت منزلش آنجاست، پیاده کردم. وی قبل از پیاده شدن خیلی با ادب و احترام از من خواهش کرد شماره تلفنم را برای تشکر از من توسط خانواده‌اش به او بدهم. با اصرار دختر شماره‌ام را به او دادم و وی امروز ظهر –روز حادثه– تماس گرفت و گفت می‌خواهد با خانواده‌اش به خانه ما بیاید و از من تشکر کند. مجددا با اصرار او برای عصر قرار گذاشتم. این دختر تنها آمد و گفت برای خانواده‌اش کاری پیش آمده است. من که در خانه تنها بودم برای وی آبمیوه آوردم. برای لحظه‌ای از محل پذیرایی برخاستم تا از آشپزخانه چیزی بردارم. وقتی برگشتم دختر آبمیوه‌اش را خورد و من هم همین کار را کردم اما بلافاصله سرم گیج رفت و دیگر هیچ چیز نفهمیدم. وقتی که به هوش آمدم فهمیدم تمام این داستان‌ها نقشه‌ای برای سرقت از منزلم بوده است.»

کارآگاهان بعد از اطلاع از چگونگی وقوع سرقت با راهنمایی مرد میانسال چهره‌ای فرضی از دختر ناشناس تهیه کردند اما نتوانستند او را ردیابی کنند تا اینکه دو روز بعد مسوولان بانکی دولتی در خیابان پاسداران با پلیس تماس گرفتند و اعلام کردند پسر جوانی دو فقره چک سرقتی مرد مالباخته را به بانک آورده است. به همین دلیل ماموران در محل حاضر شدند و این جوان ۲۷ساله را به نام رضا دستگیر کردند. رضا در بازجویی‌ها گفت: «من این چک‌ها را سرقت نکرده‌ام و از مسروقه بودن آنها اطلاعی ندارم. من مجرد هستم. چند سال قبل و پس از اتمام خدمت سربازی برای کار از شهرمان در شمال به تهران آمدم و در یک کافی‌شاپ در خیابان پاسداران کار می‌کنم. مدتی است با دختری که هر چند وقت یک‌بار به آنجا می‌آمد دوست شده‌ام. او امروز دو فقره چک به من داد تا برایش نقد کنم. من هم وقتی که به بانک رفتم توسط پلیس دستگیر شدم.»

کارآگاهان در پی اثبات صحت اظهارات متهم به کافی‌شاپ موردنظر رفتند و دختر ۲۲ساله به نام «زهرا» را که برای گرفتن مبلغ چک آمده بود دستگیر کردند و فهمیدند این دختر همان سارق منزل است. زهرا که یک سابقه سرقت دارد مقابل افسر پرونده اعتراف کرد: «چند سال قبل بعد از دوستی‌های خیابانی با پسران جوان و درگیری‌های مکرر با خانواده‌ام از خانه فرار کردم و در حالی که دختر نوجوانی بودم ابتدا به دنبال کار و اجاره‌خانه مجردی بودم تا به نوعی مستقل باشم و کار کنم و آینده‌ای برای خودم درست کنم اما خیلی زود و پس از آشنایی با یک پسر جوان، از طریق او در دام پسرانی که همه نوع خلاف می‌کردند، گرفتار و یک‌بار به اتهام سرقت دستگیر شدم و به زندان افتادم. بعد از چند ماه آزاد شدم. این بار با پیشنهاد یک نفر که تازه با او آشنا شده بودم برای پیداکردن کار به کشور مالزی رفتم. یکی، دو سالی آنجا بودم. فروردین‌ماه امسال به ایران برگشتم و با پسری به نام «سیاوش» آشنا شدم و با هم خانه‌ای اجاره کردیم. به پیشنهاد «سیاوش»، با نقشه‌ای از پیش طراحی‌شده و با ظاهری بسیار شیک و مرتب، در برخی از نقاط شهر در مقابل خودروهای گران‌قیمت قرار می‌گرفتم و با اعلام اینکه کیفم توسط سارقان موتورسوار سرقت شده است، از رانندگان می‌خواستم مرا تا جایی برسانند. سپس موقع پیاده شدن از رانندگان می‌خواستم برای تشکر از آنها توسط خانواده‌ام، شماره تلفن‌شان را بدهند. با این شگرد شماره تلفن را از طعمه‌هایم می‌گرفتم و روزهای بعد برای سرقت از منزل با آنها قرار می‌گذاشتم. بعضی دیگر از رانندگان علاقه‌مند بودند با من دوست شوند. با این افراد راحت‌تر قرار می‌گذاشتم و وقتی به خانه آنها می‌رفتم که کسی به غیر از طعمه‌ام در منزل نباشد. بعد از اینکه با ماده بیهوشی در آبمیوه، سوژه‌ها را بیهوش می‌کردم با سیاوش تماس می‌گرفتم و او همراه یکی، دو نفر دیگر از دوستانش که در همان نزدیکی بودند، به داخل منزل می‌آمدند و پس از سرقت اشیای قیمتی از آنجا فرار می‌کردیم.»

عکس: شرق

با شناسایی سه مالباخته دیگر و حضور آنان در پلیس آگاهی و شناسایی دختر دستگیرشده، تعداد مالباختگان افزایش یافت و تلاش کارآگاهان برای شناسایی سایر مالباختگان ادامه دارد.

سرهنگ رضا موذن، رییس پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران، با تایید این خبر گفت: این دختر پس از بازگشت به کشور حدود ۱۰ ماه مبادرت به سرقت می‌کرد و احتمال دارد شیوه‌های دیگری نیز در سوابق اتهامی خود داشته باشد. آنچه در پرونده‌های پلیسی برای همکارانم و همچنین دستگاه قضایی اهمیت دارد حفظ آبروی افراد است. بنابراین مالباختگان احتمالی بدون هرگونه نگرانی از آبروی خود چنانچه به این شیوه از آنها سرقت شده است، می‌توانند برای پیگیری موضوع یا تشکیل پرونده به پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند.

پنج قاره

### افزایش تلفات ریزش ساختمان دربیروت

**آسوشتیدپرس:** تعداد کشته‌شدگان حادثه ریزش ساختمان شش طبقه در منطقه «الاشرفیه» بیروت به ۲۵نفر رسید. نیروهای امداد همچنان با استفاده از بولدوزر در تلاش برای بیرون آوردن اجساد و نجات بازماندگان احتمالی این حادثه از میان آوار هستند. مقامات لبنانی با اعلام اینکه بیشتر کشته‌شدگان کارگران خارجی بودند، بیان‌کردند: مالک این ساختمان قدیمی دستگیر شده است. در این حادثه همچنین ۱۲ نفر مجروح و برای درمان به بیمارستان منتقل شده‌اند. «مازن» ۴۶ ساله که هنگام وقوع حادثه شاهد ریزش ساختمان بود، گفت: مانند زمان وقوع زلزله زمین به لرزه درآمد. آن موقع تنها صدای فریاد شنیده می‌شد مقامات لبنان با بیان اینکه حادثه ریزش ساختمان در این کشور به ندرت اتفاق می‌افتد، اعلام کردند: علت این حادثه مشخص نیست ، اما این احتمال وجود دارد که شکاف‌های موجود در دیوار به دلیل بارش‌های شدید و ساخت‌وسازهای مجاور عمیق‌تر شده باشد.

### تلویزیون جان دختر ۴ ساله را گرفت

**یونایتدپرس:** سقوط تلویزیون روی دختر چهارساله او را به کام مرگ کشاند. پدر دختر آمریکایی گفت: پس از اتمام تعطیلات کریسمس دخترم را به خانه همسر سابقم در شیکاگو فرستاده بودم که این اتفاق برای او افتاد. مادرکودک نیز گفت: دخترم پس از خوردن صبحانه برای تماشای تلویزیون رفت که یک‌باره صدای بلندی شنیدم و دخترم را غرق خون و زیر تلویزیون پیدا کردم. او ادامه داد: پیش از این دخترم چندین بار به میز تلویزیون آویزان شده بود و من او را به دلیل این کارش دعوا کرده بودم. بنابر این گزارش دختر چهارساله که استخوان جمجمه و بینی‌اش دچار شکستگی شده بود، به بیمارستان منتقل شد و تحت عمل جراحی قرار گرفت اما شدت ضربه به حدی بود که باعث مرگ او شد.

### خودکشی از بالای پل

**دیلی‌میل:** دختر ۱۶ساله لندنی خودش را از بالای پل عابرپیاده به پایین پرت و خودکشی کرد. این حادثه در شرق لندن و مقابل چشمان شاهدان زیادی رخ داد. نیروی امداد پس از تماس شاهدان سانحه به محل اعزام شدند اما پیش از رسیدن اورژانس دختر نوجوان فوت شده بود. پلیس برای پاکسازی صحنه حادثه مجبور شد مسیر عبور خودروها را برای چند ساعت مسدود کند. دوستان این دختر نوجوان برای یادبود دوست‌شان دسته‌گل‌هایی را بالای پل قرار دادند. پلیس اعلام کرد در حال بررسی علت اقدام به خودکشی این نوجوان است.

### قطاری با بار مرگ

**شینهوا:** بنابر اعلام مقامات جمهوری دموکراتیک کنگو، بر اثر خروج یک قطار باری از ریل دست‌کم ۱۴ نفر کشته شدند. در این سانحه که در ایستگاه راه‌آهن «بوکاکا» اتفاق افتاد، تعداد زیادی مسافر دیگر مجروح شدند. بنابر اعلام شاهدان این حادثه، احتمال افزایش تلفات این سانحه وجود دارد چرا که بر اثر واژگونی چهار واگن تعدادی از مسافران در میان بدنه قطار گیر افتاده‌اند. به گفته بازماندگان این سانحه، این قطار با وجود باری بودنش اقدام به سوار کردن مسافرانی کرده بود که می‌خواستند همراه با بارشان به مقصد برسند. وقوع سوانح ریلی در جمهوری دموکراتیک کنگو به دلیل نامناسب بودن وضعیت ریلی این کشور امری شایع است.

### آتش‌سوزی در سکوی حفاری نفتی

**واحد مرکزی خبر:** دو نفر در پی آتش‌سوزی در سکوی حفاری نفتی شرکت آمریکایی شِورون در جنوب نیجریه ناپدید شدند. شرکت شِورون اعلام کرد این آتش‌سوزی که بامداد دوشنبه به وقت محلی رخ داد یک‌صد نفر از کارگران سکوی نفتی را مجبور به تخلیه سکو کرد اما از سرنوشت دو نفر از آنها اطلاعی در دست نیست. سکوی حفاری نفتی شرکت شورون ۱۲ ساعت پس از آغاز آتش‌سوزی نیز همچنان در آتش می‌سوخت. اکنون تحقیقات برای مشخص شدن علت این حادثه در جریان است. به گفته منبعی در شرکت شورون این آتش‌سوزی پس از انفجار گاز اتفاق افتاد.

نگاه

## فرار به سوی جرم

امان‌الله قرایی‌مقدم
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

■ دستگیری دختر ۲۲ ساله‌ای که با طراحی یک شگرد دست به سرقت می‌زد بار دیگر باعث شد بحث فرار دختران از خانه پیش کشیده شود چرا که این دختر همان‌گونه که در اظهارات خود گفته در پی دوستی با یک پسر از خانه‌شان گریخت. به طور کلی تحقیقات نشان داده است عامل اصلی فرار دختران از خانه، خانواده به ویژه رفتارهای پدر است. پرخاشگری، خشونت، بی‌توجهی، سرکوفت زدن و رفتارهایی از این دست وقتی در خانواده وجود داشته باشد احتمال فرار دختران افزایش پیدا می‌کند، پس از آن کم‌اعتقادی و بی‌اعتقادی و همچنین تاثیر گرفتن از گروه دوستان و همسالان از دیگر دلایلی است که دختران را به فرار از خانه‌می‌کشاند.

معضل فرار دختران به یک محدوده جغرافیایی و شهر خاص محدود نمی‌شود اما تحقیقات نشان داده است این پدیده در جنوب کشور و همچنین استان یزد کمتر وجود دارد که می‌توان قوی بودن ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در این مناطق را دلیل اصلی چنین موضوعی دانست. از سویی مقصد دختران فراری نیز هر شهر و منطقه‌ای می‌تواند باشد اما آنها معمولا تهران را ترجیح می‌دهند و البته به این هم توجه دارند که تا حد ممکن از شهر خود دور شوند.

این دختران بعد از فرار از خانه در برابر آسیب‌های مختلف قرار می‌گیرند متهم پرونده اخیر در اعترافاتش گفته است قصد داشت بعد از فرار کار پیدا کند و زندگی مستقلی داشته باشد اما دوستی با پسری خلافکار او را به سمت جرم کشاند. این اتفاق درباره قریب به اتفاق دختران فراری رخ می‌دهد و بیشترین آسیبی که آنها را تهدید می‌کند تجاوز جنسی است. بسیاری از آنها در کمتر از ۲۴ ساعت بعد از فرار از خانه مورد تعرض قرار می‌گیرند و سپس به سمت فحشا، مواد مخدر، سرقت و جرایم دیگر کشانده می‌شوند و برای اینکه بتوانند نیازهایشان را تامین کنند، دست به جرم می‌زنند.

نکته تاسف‌آور این است که معمولا راهی برای نجات این دختران وجود ندارد. متهم اخیر قبلا یک‌بار به اتهام سرقت دستگیر و بعد از آزادی دوباره مرتکب جرم شده است. این دختران چون بعد از شناسایی، دستگیری و آزادی امکان بازگشت به خانواده را ندارند طبیعتا به همان مسیر قبلی بازمی‌گردند و دیگر نمی‌توان برای اصلاح آنها امید زیادی داشت. موضوع بعدی افزایش آمار دختران فراری است. این پدیده با پیش رفتن زمان بیشتر می‌شود به گونه‌ای که در سال ۷۸ ما فقط ۹ خانه مربوط به نگهداری از دختران فراری داشتیم که تعداد این خانه‌ها در سال ۸۲ به بیش از ۱۸۰ خانه رسید. دلیل افزایش آمار دختران فراری را هم باید در شرایط اجتماعی و خانوادگی جست‌وجو کرد. وقتی خانواده نمی‌تواند نیازهای دختر را برآورده کند و از طرف دیگر پسران فریب‌دهنده وجود دارند فرار دختران از خانه موضوعی غیرقابل انتظار نیست و به طور کلی برای مقابله با این معضل چاره‌ای جز بالا بردن سطح رفاه خانواده‌ها و ایجاد نشاط و شادی وجود ندارد.

حادثه

## انتقام‌گیری اینترنتی به خاطر اختلاف ۱۰۰ میلیون تومانی

■ **شرق:** مردی پس از آنکه با طرف قرارداد تجاری‌اش به مشکل برخورد، با ارسال ای‌میل‌هایی سعی کرد او را ورشکسته معرفی کند. مدیر یک شرکت تولیدی به پلیس فتای استان البرز مراجعه کرد و طی شکایتی گفت: «مدتی است متوجه شده‌ام ای‌میلم هک شده و پیام‌هایی با مضامین کذبی چون ورشکستگی شرکت به دوستان و شرکت‌های طرف قرارداد و همکارانم ارسال کرده و موجب خدشه‌دار شدن آبروی من و اعتبار شرکت شده و لطمات جبران‌ناپذیری را به وجود آورده است.» ماموران بعد از تشکیل پرونده مقدماتی با استعلام از شرکت ارایه‌دهنده خدمات اینترنتی هویت متهم را شناسایی کردند و مشخص شد ای‌میل‌ها از سوی فردی به نام «بهنام» که در امر تولید مواد اولیه با شرکت مورد نظر همکاری می‌کند، ارسال شده است. با توجه به اطلاعات موجود شاکی پس از دعوت به پلیس فتا درخصوص مظنون شناسایی‌شده اظهار داشت: «چندی پیش با بهنام که در امر تهیه و تولید مواد اولیه مورد نیاز شرکت تبحر داشت، آشنا شدم و طبق قرارداد وی متعهد شد در ازای تولید مواد اولیه شرکت مبلغ دو میلیارد ریال دریافت کند. من برای تسریع و پیشرفت در کار رمز ای‌میلم را به بهنام دادم و از آن زمان به بعد ارسال پیام‌های مشکوک شروع شد. ولی با توجه به شغل بهنام و شناختی که از قبل از وی داشتم، فکر نمی‌کنم انجام این عمل از سوی بهنام صورت گرفته باشد و هیچ ظنی به وی ندارد.» با توجه به اظهارات شاکی، ماموران پلیس فتا برای روشن شدن زوایای تاریک پرونده، متهم را احضار کردند که وی ابتدا با دادن پاسخ‌های ضد و نقیض ارسال ای‌میل‌ها را قبول نکرد اما سرانجام جرمش را پذیرفت و گفت: «مدیر شرکت متعهد شده بود در قبال همکاری با شرکت مبلغ دو میلیارد ریال به من پرداخت کند اما پس از ارایه خدمات کامل به شرکت او فقط به پرداخت مبلغ یک میلیارد ریال اکتفا کرد و من هم از روی کینه و دشمنی و برای انتقام‌جویی از ای‌میل و پیام‌هایی را برای دوستانش فرستادم مبنی بر اینکه شرکت وی ورشکسته و بدهکار بانک است.» بنا بر این گزارش در حال حاضر متهم در اختیار مرجع قضایی قرار دارد.